

ریشه‌های وقوع جرم در منابع اسلامی و جرم‌شناسی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۰۴)

سیده آمنه موسوی نسب^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل و ریشه‌های وقوع جرم از منظر دو نظام معرفتی اسلامی (مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام) و جرم‌شناسی معاصر صورت پذیرفته است. سؤال اصلی آن است که چه اشتراکات و تفاوت‌هایی بین تبیین‌های دینی و نظریه‌های علمی جرم‌شناسی در تحلیل عوامل جرم وجود دارد و آیا می‌توان از این دو حوزه، برای تدوین الگویی جامع‌تر در پیشگیری از جرم بهره برد. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل متون دینی (قرآن و روایات) و منابع جرم‌شناسی گردآوری و تحلیل شده‌اند. اهمیت این پژوهش در ارائه بینشی یکپارچه از عوامل جرم، مشتمل بر عوامل فردی-معنوی و اجتماعی-محیطی است. نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که جرم پدیده‌ای چندعاملی و ناشی از تعامل عوامل درونی (مانند ضعف ایمان، خلق و خوی مجرمانه) و عوامل بیرونی (مانند فقر، بی‌عدالتی، معاشرت ناسالم) است. قرآن و روایات بر بُعد معنویت و اخلاق به عنوان عامل کنترل‌کننده درونی تأکید ویژه‌ای دارند، در حالی که جرم‌شناسی مدرن بیشتر بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی متمرکز است. نقطه اشتراک برجسته، تأکید هر دو بر نقش یادگیری و محیط در شکل‌گیری رفتار مجرمانه است. این تطبیق می‌تواند مبنای نظری غنی‌تری برای سیاست‌گذاری کیفری ارائه دهد که در آن، برنامه‌های پیشگیری اجتماعی و موقعیت‌محور، با برنامه‌های تربیتی-اخلاقی و تقویت سرمایه معنوی افراد تلفیق شود.

واژگان کلیدی: جرم، گناه، قرآن، روایات، جرم‌شناسی، عوامل جرم

^۱ sayedjassem@post.ir

مقدمه

پدیده‌ی جرم و انحرافات اجتماعی همواره یکی از چالش‌های اساسی پیش روی جوامع بشری بوده و بررسی علل و عوامل آن، از دیرباز مورد توجه متفکران، جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان و دین‌شناسان قرار گرفته است. از منظر دین مبین اسلام، ریشه‌های بسیاری از رفتارهای مجرمانه به مفهوم گناه و نافرمانی از اوامر الهی بازمی‌گردد. درک صحیح و عمیق از مفهوم جرم در چارچوب آموزه‌های دینی، از جمله قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، می‌تواند راهگشای یافتن راهکارهای مؤثر و پایدار برای پیشگیری و مقابله با جرایم در جامعه باشد. این در حالی است که رویکردهای جرم‌شناسی کلاسیک و نوین نیز با تمرکز بر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی، به تبیین و تحلیل چرایی وقوع جرم پرداخته‌اند. مسأله اصلی این پژوهش، تلاش برای ایجاد پلی میان این دو حوزه علمی، یعنی دین و جرم‌شناسی، است. در واقع، هدف این است که با استفاده از منابع غنی اسلامی، به ویژه قرآن و روایات، مبانی نظری جرم و گناه را تبیین کرده و سپس این مفاهیم را با دیدگاه‌های جرم‌شناسی مقایسه کنیم. به عبارت دیگر، پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه می‌توان مفاهیم جرم و گناه در قرآن و روایات را با نظریه‌های جرم‌شناسی تطبیق داد و از این تطبیق، درک عمیق‌تری از عوامل فردی و اجتماعی وقوع جرم به دست آورد؟ همچنین، آیا اصول و تعالیم اسلامی، به ویژه در مواجهه با گناهان کبیره، می‌تواند راهکارهای بومی و مؤثری برای پیشگیری و کاهش جرم در جامعه ارائه دهد؟ پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها از طریق تحلیل محتوای آیات قرآن کریم، روایات معتبر و همچنین مکتوبات علمی در حوزه جرم‌شناسی است. این رویکرد میان‌رشته‌ای، ظرفیت بالایی در غنا بخشیدن به دانش موجود در هر دو حوزه و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه دارد.

بخش اول: تعریف و مفهوم جرم در قرآن

در قرآن کریم و منابع حدیثی، واژگان متعددی برای بیان انحراف از مسیر حق و رفتار ناپسند به کار رفته است. این واژگان، هرچند در ظاهر ممکن است مشابه به نظر برسند، اما گاهی تفاوت‌های ظریفی در معنای آن‌ها وجود دارد که در فهم دقیق‌تر مفهوم جرم از منظر دینی، راهگشا هستند.

در قرآن کریم، به جای واژه جرم به معنای اصطلاحی حقوقی امروزی، بیشتر از واژگانی مانند «اثم»، «ذنب»، «خطیئه»، «سیئه»، «معصیه»، «فساد» و «ظلم» استفاده شده است. هر یک از این واژگان، دلالت بر جنبه‌ای از انحراف از مسیر الهی و اخلاقی دارند.

اثم: این واژه بیشتر به معنای انجام عملی است که موجب کیفر و عقوبت می‌شود و در نتیجه، سخط و غضب الهی را در پی دارد. راغب اصفهانی در تعریف «اثم» می‌نویسد: «الْأَثْمُ: أَصْلُهُ الْمَنْعُ، وَمِنْهُ قَوْلُهُمْ: لَا أَثْمَ عَلَيْكَ، أَيْ لَا مَنَعَ عَلَيْكَ... وَيُعْبَرُ بِالْأَثْمِ عَنْ فِعْلِ مَا يَسْتَوْجِبُ سَخَطَ اللَّهِ وَعِقَابَهُ»^۱ (اثم، اصلش منع است، و از همین رو گفته می‌شود: «لا اثم عليك»، یعنی مانعی نیست بر تو... و با اثم، انجام عملی که مستوجب خشم و عقوبت خداوند است، بیان می‌شود).

ذنب: این واژه به معنای دنبال، عاقبت و اثر است و در اصطلاح به گناه اطلاق می‌شود. ذنب گاهی به معنای تابع است، یعنی چیزی که به دنبال چیزی دیگر می‌آید. در قرآن، ذنب غالباً به اعمالی اطلاق می‌شود که انسان به دنبال انگیزه یا وسوسه‌ای انجام می‌دهد و پیامدهای ناگواری به دنبال دارد.^۲

۱. راغب، اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان-سوریه، دارالقلم _ دارلشامیه،

۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۸

۲. همان، ص ۱۸۶

خطیئه: این واژه به معنای اشتباه و لغزشی است که ممکن است از روی عمد یا سهو رخ دهد. خطیئه در قرآن اغلب به گناهانی گفته می شود که انسان از روی جهل، نادانی یا تحت تأثیر عوامل بیرونی مرتکب می شود.

سیئه: این واژه کلی تر است و به هر عملی که بد و ناپسند باشد، اطلاق می شود. سیئه می تواند شامل اعمال فردی و اجتماعی باشد و نتیجه آن، پاداشی جز مانند آن (یعنی بدی) نخواهد بود، همانگونه که قرآن کریم به این امر دلالت دارد: (وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ) و کسانی که مرتکب بدی ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و خواری آنان را فرا می گیرد.^۱

معصیه: این واژه به معنای سرپیچی از فرمان است و در قرآن به نافرمانی از اوامر الهی اطلاق می شود.^۲

فساد: این واژه به معنای تباهی، خرابی و به هم خوردن نظم است و می تواند شامل فساد در عقاید، اخلاق، روابط اجتماعی و اقتصادی باشد.^۳

ظلم: این واژه به معنای قرار دادن چیزی در غیر جای خود است و شامل هر گونه تجاوز به حقوق الهی، حقوق خود و حقوق دیگران می شود.^۴

بخش دوم: مفهوم جرم در منابع حدیثی

کتاب روایی معتبر، مانند الکافی اثر کلینی و من لایحضره الفقیه اثر شیخ صدوق، مملو از روایاتی است که به بیان انواع گناهان، آثار آن ها و چگونگی دوری از آن ها می پردازند. کلینی

۱. سوره یونس، آیه ۲۷

۲. سوره بقره، آیه ۵۸

۳. سوره بقره، آیه ۱۱

۴. سوره بقره، آیه ۵۷

روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمودند: **إِيَّاكُمْ وَمُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ، فَإِنَّمَا مَثَلُهُنَّ كَمَثَلِ قَوْمٍ نَزَلُوا فِي بَطْنٍ وَادٍ، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْهُمْ بِعُودٍ، وَجَاءَ آخَرُ بِعُودٍ، حَتَّى جَمَعُوا حَطَبًا كَثِيرًا، فَأَشْعَلُوا فِيهِ النَّارَ، فَأَنْظَرُوا مَا صَنَعَتْ.**^۱ (از گناهان کوچک بر حذر باشید، زیرا مثل آن‌ها همانند گروهی است که در ته دره‌ای فرود آمده‌اند، پس یکی از آن‌ها شاخه‌ای آورد و دیگری شاخه‌ای دیگر، تا اینکه هیزم بسیاری جمع کردند و در آن آتش افروختند، پس بنگرید که چه کرد.) این روایت بر لزوم پرهیز از گناهان به ظاهر کوچک تأکید دارد، چرا که انباشت آن‌ها می‌تواند عواقب خطرناکی داشته باشد. شیخ صدوق نیز روایتی را از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: **الذُّنُوبُ كُلُّهَا مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا النَّارَ، وَهِيَ ثَلَاثَةٌ: الرَّبَا، وَمُعَامَلَةُ أَهْلِ الْكِتَابِ بِالْقِيَّةِ، وَشَرْبُ الْخَمْرِ.**^۲ (تمام گناهان، از آن‌هایی هستند که خداوند عزوجل بر آن‌ها وعده آتش داده است، و آن‌ها سه تا هستند: ربا، معامله با اهل کتاب با تقیه، و شرب خمر.) این روایت، مصادیقی از گناهان را ذکر می‌کند که پیامدهای شدیدتری دارند. به طور کلی، در منابع دینی، جرم مفهومی وسیع‌تر از یک عمل صرفاً خلاف قانون را در بر می‌گیرد. هر عملی که برخلاف دستورات الهی، فطرت انسانی، و مصالح فرد و جامعه باشد، می‌تواند در قلمرو جرم یا گناه قرار گیرد. در بسیاری از موارد، مفهوم گناه شامل مفهوم جرم در معنای حقوقی آن نیز می‌شود، اما گناه دامنه وسیع‌تری دارد و به هر گونه انحراف از مسیر کمال و سعادت اطلاق می‌گردد.

بخش سوم: تمایز گناه کبیره و صغیره در تعالیم اسلامی

تمایز میان گناهان کبیره و صغیره یکی از مفاهیم بنیادین در فهم مسؤولیت اخلاقی و حقوقی انسان است. این تمایز، نه تنها در تعیین عواقب اخروی، بلکه در جنبه‌های عملی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. گناه در اسلام، هر گونه تخطی از اوامر و نواهی الهی و دور شدن از مسیر سعادت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ اول، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ه.ق، ج ۲، ص ۲۷۵

۲. قمی، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، محمدجواد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۲

است. این تخطی می‌تواند در حوزه اعتقادات (مانند شرک)، اخلاق (مانند دروغ، غیبت) و یا اعمال (مانند سرقت، قتل) رخ دهد. گناه، نشانه سستی اراده، ضعف ایمان و یا نفوذ وسوسه‌های شیطانی است.

بر اساس آیات قرآن و روایات، گناهان به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

گناهان کبیره: این گناهان، اعمالی هستند که به دلیل شدت زشتی، پیامدهای ویرانگر و گسترده‌ی فساد ناشی از آنها، از اهمیت و بزرگی ویژه‌ای برخوردارند. این گناهان، عزم و اراده قوی‌تری برای ارتکاب می‌طلبند و معمولاً با وعده عذاب شدید در دنیا و آخرت همراه هستند. در قرآن کریم، به صراحت از کبائر نام برده شده است. به عنوان مثال، آیه ۳۲ سوره نساء می‌فرماید: *إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ*. (اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده‌اید، اجتناب کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و شما را به جایگاهی پر افتخار وارد می‌کنیم).

فهرست گناهان کبیره در روایات متعددی ذکر شده است. مشهورترین آنها که در منابع روایی و تفسیری یافت می‌شود، شامل شرک به خدا، قتل نفس، عقوق والدین، خوردن مال یتیم، ربا، زنا، لواط، قذف (تهمت زنا به پاکدامن)، سرقت، شرب خمر، ترک نماز، فرار از جهاد، شهادت به دروغ، خوردن گوشت مردار و خون، و جادو است.^۱

گناهان صغیره: این گناهان، اعمالی هستند که نسبت به کبائر، از شدت و قبح کمتری برخوردارند. این گناهان ممکن است با انگیزه ضعف نفس، سهو و غفلت رخ دهند. بخشایش گناهان صغیره، معمولاً با انجام حسنات، توبه و یا شفاعت حاصل می‌شود. در آیه ۳۲ سوره نساء که ذکر شد، بر پوشانده شدن سیئات (گناهان کوچک) در صورت اجتناب از کبائر تأکید شده است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ه.ق، ج ۲، ص ۲۷۱

بخش چهارم: گناهان کبیره و صغیره از دیدگاه جرم‌شناسی

از دیدگاه جرم‌شناسی، تمایز میان گناهان کبیره و صغیره، می‌تواند در طبقه‌بندی جرایم مورد توجه قرار گیرد. جرایمی که در دسته گناهان کبیره قرار می‌گیرند، معمولاً با شدت بیشتری در جامعه جرم‌انگاری شده و مجازات‌های سنگین‌تری برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، قتل، زنا، سرقت و ربا، در اکثر نظام‌های حقوقی، جرایم جدی محسوب می‌شوند. مطالعات جرم‌شناسی نیز در این زمینه نظریه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. بر اساس نظریه برچسب‌زنی^۱ زمانی که فردی به دلیل ارتکاب یک گناه کبیره، در جامعه مجرم برچسب زده شود، ممکن است در آینده نیز به سمت تکرار جرم سوق داده شود. تمایز میان گناهان، می‌تواند به درک بهتر این فرآیند کمک کند.^۲

همچنین نظریه ناکامی^۳ می‌تواند در تبیین برخی گناهان کبیره مؤثر باشد. در مواردی که فرد به دلیل فشارهای اجتماعی، اقتصادی یا روانی دچار ناکامی شدید می‌شود، ممکن است دست به اعمال خشونت‌آمیز و یا جرایمی بزند که در دسته گناهان کبیره قرار می‌گیرند. درک مفهوم گناه و ابعاد مختلف آن، از جمله تمایز میان کبیره و صغیره، اساس و بنیانی برای تحلیل ریشه‌های عمیق‌تر رفتارهای مجرمانه از منظر دینی فراهم می‌آورد. این موضوع، بستری مناسب

۱. نظریه برچسب‌زنی (Labeling Theory) یکی از نظریه‌های مهم در جامعه‌شناسی انحراف و جرم است. این نظریه می‌گوید انحراف یا جرم ذاتی یک رفتار نیست؛ بلکه وقتی جامعه به فرد یا رفتار یک برچسب می‌زند، آن رفتار به عنوان انحراف شناخته می‌شود. طبق این نظریه، افراد زمانی منحرف محسوب می‌شوند که دیگران (مثل جامعه، پلیس، رسانه یا نهادهای رسمی) آن‌ها را با برچسب‌هایی مانند مجرم، بزهکار، مشکل‌دار یا منحرف معرفی کنند.

۲. حسن پویان، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، نشر سمت، ص ۱۲۳-۱۲۵

۳. اساس این نظریه بر این ایده است که انحراف محصول فشار یا ناکامی اجتماعی است؛ یعنی وقتی افراد بین اهداف فرهنگی و امکانات مشروع رسیدن به آن اهداف تعارض احساس کنند، تحت فشار قرار می‌گیرند و احتمالاً به رفتار انحرافی روی می‌آورند.

برای مقایسه با رویکردهای جرم‌شناختی است، چرا که بسیاری از جرایم مهم اجتماعی، هم‌راستا با گناهان کبیره هستند.

بخش پنجم: مصادیق قرآنی جرم و نظریه‌های جرم‌شناسی

گناهان کبیره، به دلیل شدت قبح و پیامدهای ویرانگرشان، غالباً مصادیق اصلی جرایم در نظام‌های حقوقی سکولار نیز محسوب می‌شوند. در اینجا به مهمترین گناهان کبیره اشاره کرده و آن‌ها را از دید قرآنی و نظریه‌های جرم‌شناسی که بر پایه جامعه‌شناختی ارائه شده‌اند، مورد مقایسه قرار می‌دهیم. شرک از اصلی‌ترین گناهان کبیره است که قرآن موضوع آن را بسیار برجسته بیان کرده است. شرک، به معنای نسبت دادن شریک و همتا به خداوند متعال، بزرگترین گناه در اسلام و نقطه مقابل توحید است. در قرآن کریم، بارها بر حرمت شرک تأکید شده است: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ**^۱.

از منظر جرم‌شناسی، شرک به طور مستقیم قابل جرم‌انگاری در نظام‌های سکولار نیست، زیرا جرم‌شناسی به رفتارهای متعارف اجتماعی و حقوقی می‌پردازد. اما می‌توان پیامدهای اجتماعی و فردی ناشی از شرک را مورد بررسی قرار داد.^۲ شرک می‌تواند منجر به سردرگمی هویتی، اضطراب وجودی و ضعف شخصیت شود، چرا که فرد مبنای هستی و ارزش‌های خود را بر پایه معیارهای نادرست بنا نهاده است. در جوامعی که آموزه‌های توحیدی ریشه دارد، شرک می‌تواند به مفساد اجتماعی دیگر منجر شود. به عنوان مثال، بت‌پرستی در طول تاریخ، گاهی با خرافات، انحرافات اخلاقی و ظلم همراه بوده است. قتل نفس به معنای گرفتن جان انسان بی‌گناه، یکی دیگر از بزرگترین گناهان کبیره و یکی از جدی‌ترین جرایم در تمام جوامع بشری است. قرآن کریم در موارد متعدد، بر حرمت قتل نفس تأکید کرده و پیامدهای شدید آن را بیان داشته است. **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ**

۱. سوره نساء، آیه ۱۱۶

۲. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، نشر میزان، ص ۴۵-۴۹

وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا.^۱ در بررسی جرم‌شناختی قتل، باید گفت در تمام نظام‌های حقوقی، قتل جرم محسوب می‌شود و مجازات‌های شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. قتل در جرم‌شناسی، نه فقط یک عنوان حقوقی، بلکه رفتاری خشونت‌آمیز و آسیب‌زا است که معمولاً ناشی از عوامل فردی (روانی)، اجتماعی، فرهنگی، یا موقعیتی است.^۲ یکی از نظریه‌های جرم‌شناسی در باره قتل، نظریه فشار^۳ است. این نظریه می‌گوید: ناکامی در رسیدن به اهداف اجتماعی، اقتصادی یا حتی شخصی، می‌تواند فرد را به سمت خشونت و قتل سوق دهد. یکی دیگر از نظریه‌ها، نظریه یادگیری اجتماعی^۴ است که بر این مطلب تأکید دارد که مشاهده خشونت در محیط خانواده یا جامعه، و یا یادگیری آن از طریق رسانه‌ها، می‌تواند فرد را مستعد ارتکاب جرم قتل کند. نظریه پیوند اجتماعی^۵ از دیگر نظریات در حوزه جرم‌شناسی است که معتقد است ضعف در پیوندهای دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور، می‌تواند فرد را از رعایت هنجارهای اجتماعی بازداشته و احتمال ارتکاب جرم قتل را افزایش دهد. خوردن مال یتیم از دیگر گناهان کبیره است که قرآن کریم به آن می‌پردازد. حفظ حقوق ایتام و حرمت تعرض به اموال آن‌ها، از تأکیدات صریح قرآن کریم است. در آیه ۱۰ سوره نساء آمده است: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا. چنانچه ملاحظه

۱. سوره نساء، آیه ۹۳

۲. علی نجفی توانا، جرم‌شناسی، تهران، آوای حکمت، ص ۲۲۹-۲۳۴

۳. نظریه فشار (Strain Theory) یکی از مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناختی تبیین‌کننده رفتارهای بزهکارانه است. این نظریه ابتدا توسط رابرت مرتن ارائه شد و بعدها اگنیو آن را گسترش داد.

۴. نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learning Theory)، معتقد است که رفتار مجرمانه آموخته می‌شود؛ دقیقاً مانند رفتارهای عادی. انسان‌ها با تعامل با دیگران، ارزش‌ها، نگرش‌ها، تکنیک‌ها و انگیزه‌های لازم برای ارتکاب جرم را فرا می‌گیرند.

۵. نظریه پیوند اجتماعی (Social Bond Theory) توسط فردی به نام هیرشی ارائه شد. او معتقد است انسان‌ها تمایل طبیعی به قانون‌شکنی دارند؛ آنچه آن‌ها را از ارتکاب جرم بازمی‌دارد قدرت و کیفیت پیوندشان با جامعه است. وقتی این پیوند سست شود، احتمال بزهکاری افزایش می‌یابد.

می شود خوردن مال یتیم در این آیه به خوردن آتش تشبیه شده است. علامه طبرسی در این باره می فرماید: روز قیامت، آتش از دهان و گوش و بینی ایشان زبانه میزند تا مردم بدانند که آنها مال یتیمان را خورده اند. امام باقر (ع) از پیامبر گرامی روایت کرده است که روز قیامت مردمی سر از قبر بیرون می آورند که آتش از دهانشان زبانه می زند پرسیدند اینها چه کسانی هستند؟ حضرت همین آیه را قرائت کردند.^۱ این مطلب به عنوان مثل، ذکر شده است تا شدت نهی را برساند. بنابراین هرکسی چنین کاری را انجام دهد به جهنم می رود و بخاطر خوردن مال یتیم، درونش پر از آتش می گردد. در تحلیل جرم شناختی این گناه باید گفت سوءاستفاده از اموال ایتام، در بسیاری از نظام های حقوقی به عنوان جرم اختلاس، خیانت در امانت یا کلاهبرداری تلقی می شود و مجازات های سنگینی برای آن تعیین شده است. براساس نظریه انتخاب عقلانی^۲ فرد مجرم با محاسبه سود و زیان، اقدام به تصاحب مال یتیم می کند، چرا که در کوتاه مدت، منفعت مالی برای او در بردارد. ضعف در پیوندهای اجتماعی و عدم احساس مسئولیت نسبت به جامعه و افراد ضعیف، می تواند فرد را به سمت چنین جرمی سوق دهد. عوامل اقتصادی مانند فقر و تنگدستی نیز ممکن است در برخی موارد، عاملی برای ارتکاب این جرم باشد، هرچند توجیه کننده آن نیست.^۳ ربا، به معنای افزایش نامشروع در وام یا فروش کالا، به ویژه در حوزه معاملات مالی، که موجب بهره کشی از نیازمندان می شود، یکی دیگر از از گناهان کبیره و از نظر اسلام حرام شمرده شده است: وَأَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا.^۴ در اسلام درباره هیچ یک از گناهان مانند رباخواری و حکومت دشمنان دین بر جامعه اسلامی سخت گیری و تشدید

۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان، طبرسی، فضل بن حسن، جلد ۵، ص ۴۰

۲. نظریه انتخاب عقلانی (Rational Choice Theory) یکی از مهم ترین رویکردهای معاصر در جرم شناسی است که رفتار مجرمانه را نتیجه انتخابی حساب شده و سنجیده می داند. این نظریه می گوید افراد هنگام ارتکاب جرم، مانند سایر تصمیم های زندگی، هزینه ها و فایده ها را مقایسه می کنند و اگر فایده جرم (مثل پول، لذت، قدرت) بیشتر از هزینه ها (مثل دستگیری، مجازات، خطر، شرم اجتماعی) به نظر برسد، احتمال ارتکاب جرم افزایش می یابد.

۳. اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی (جلد اول)، ص ۱۸۲

۴. سوره بقره، آیه ۲۷۵

نشده است. خدای سبحان در این آیات سوره بقره در امر رباخواری شدتی به کار برده که درباره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است مگر یک مورد که سخت گیری در آن نظیر سخت گیری در امر ربا است، و آن این است که مسلمانان، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند، و اما بقیه گناهان کبیره هر چند قرآن کریم مخالفت خود را با آن‌ها اعلام نموده و در امر آن‌ها سخت گیری هم کرده، اما لحن کلام خدا ملایم تر از مسأله ربا و مسلط نمودن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی است و حتی لحن قرآن در مورد زنا و شرب خمر و قمار و گناهانی بزرگتر از این، چون کشتن افراد بی گناه، ملایم تر از این دو گناه است. و این نیست مگر برای اینکه فساد آن گناهان از یک نفر و یا چند نفر تجاوز نمی کند، و آثار شومش تنها به بعضی از ابعاد زندگانی را در بر می گیرد و آن عبارت است از فساد ظاهر اجتماع، و اعمال ظاهری افراد، به خلاف ربا و حکومت بی دینان که آثار سوئش بنیان دین را منهدم می سازد، و آثارش را به کلی از بین می برد و نظام حیات را تباه می سازد، و پرده‌ای بر روی فطرت انسانی می افکند، و حکم فطرت را ساقط می کند، و دین را به دست فراموشی می سپارد.^۱ در بررسی‌های جرم‌شناختی ربا نیز در نظام‌های حقوقی مدرن، برخی اشکال ربا، جرم‌انگاری شده و مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است. هر چند که برخی نظریات معتقدند در جامعه‌ای که ارزش‌های مادی گرایانه بر ارزش‌های اخلاقی غلبه کند، رباخواری ممکن است به عنوان یک رفتار عادی و یا حتی ضروری تلقی شود. برای نمونه در نظریه اقتصاد جرم^۲، افراد با ارزیابی عقلانی هزینه و فایده، به سمت فعالیت‌های سودآور (حتی اگر غیرقانونی باشند) گرایش پیدا می کنند.^۳ زنا دیگر گناه کبیره است که می توان به آن اشاره کرد. زنا، به معنای رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج، از نظر شرعی و در برخی نظام‌های حقوقی عرفی به

۱. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمد حسین، جلد ۲، ص ۶۲۵

۲. نظریه اقتصاد جرم (Economics of Crime) یک رویکرد اقتصادی تحلیلی در جرم‌شناسی است که جرم را نتیجه محاسبه عقلانی هزینه و فایده می‌داند؛ اما برخلاف نظریه انتخاب عقلانی که بیشتر جرم‌شناختی است، این نظریه کاملاً اقتصادی است و توسط اقتصاددانان مطرح شد، نه جرم‌شناسان.

۳. ابراهیمی، جرم‌شناسی نظری، تهران، نشر دادگستر، ص ۱۶۵

عنوان جرم شناخته می‌شود. قرآن کریم نیز در آیه ۳۲ سوره اسراء به این عمل قبیح اشاره کرده است: *وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا*. در این آیه خداوند در حرمت زنا مبالغه کرده است، زیرا نمی‌فرماید اینکار را نکنید، بلکه می‌فرماید نزدیک آن هم نشوید، و این نهی را به گونه‌ای بیان کرده که زشتی، صفت لا ینفک و جدایی ناپذیر آن باشد، به گونه‌ای که از آن جدا نمی‌شود، و با تعلیل دیگری نیز فرمود: *وَسَاءَ سَبِيلًا* تا این مطلب را برساند که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه، آن هم فساد همه شؤون اجتماع منجر می‌شود، و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می‌کند.^۱ در تحلیل جرم‌شناختی زنا نیز باید گفت این عمل به عنوان جرم منافی عفت در بسیاری از نظام‌های حقوقی جرم‌انگاری شده است. همچنین پژوهش‌های جرم‌شناسی نیز دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. برای نمونه نظریه فشار معتقد است ناکامی در برقراری روابط سالم عاطفی یا جنسی، یا فشارهای ناشی از ازدواج ناموفق، می‌تواند فرد را به سمت زنا سوق دهد. نظریه یادگیری اجتماعی نیز نقش قرار گرفتن در محیط‌هایی که عادی‌سازی روابط خارج از ازدواج در آن‌ها رواج دارد را در شکل‌گیری این رفتار مورد بررسی قرار داده است. هرچند باید اذعان کرد تغییرات فرهنگی، مانند تضعیف نهاد خانواده، و گسترش رسانه‌های غیراخلاقی، نیز از عوامل مؤثر در افزایش این جرم شمرده می‌شوند.^۲ قذف دیگر گناه کبیره‌ای است که باید مورد بررسی قرار گیرد. قذف، به معنای نسبت زنا دادن به زن یا مرد پاکدامن، بدون وجود شاهد، از گناهان کبیره و جرمی سنگین است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: *وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ*.^۳ علامه طباطبایی با اشاره به معنای رمی در این آیه این گونه توضیح می‌دهد که مراد از رمی نسبت زنا دادن به زن محصنه و عقیفه است و مراد از آوردن چهار شاهد که ناظر و گواه زنا بوده‌اند، اقامه این شهود است برای اثبات نسبتی که داده و در این آیه خدای متعال

۱. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمد حسین، جلد ۱۳، ص ۱۱۷

۲. اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی (جلد اول)، ص ۲۰۵

۳. سوره نور، آیه ۴

دستور داده در صورتی که نسبت دهنده چهار شاهد نیاورد او را تازیانه بزنند و از آن به بعد شهادت او را نپذیرند و در ضمن حکم به فسق او نیز کرده است و معنای آیه این است که کسانی که به زنان عفیف نسبت زنا می دهند و چهار شاهد بر صدق ادعای خود نمی آورند، باید هشتاد تازیانه به ایشان بزنند و چون ایشان فاسق شده اند، دیگر تا ابد شهادتی از آنان قبول نکنید. و این آیه به طوری که ملاحظه می فرمایید از نظر نسبت دهنده مطلق است، یعنی هم شامل مرد می شود و هم زن، هم حر و هم برده، و این در روایات اهل بیت (ع) هم همین طور تفسیر شده است.^۱ در تحلیل جرم شناختی قذف، باید گفت که به عنوان جرم افترا و نشر اکاذیب در نظام های حقوقی جرم انگاری شده است. براساس نظریه برچسب زنی فردی که مورد قذف قرار می گیرد، دچار لطمه روحی شدید، انگ اجتماعی و حتی مشکلات خانوادگی می شود. این برچسب می تواند پیامدهای بلندمدتی برای قربانی داشته باشد. نظریه فشار نیز معتقد است انگیزه هایی مانند کینه توزی، انتقام جویی یا تخریب شخصیت دیگران، می تواند فرد را به سمت قذف سوق دهد. همچنین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، در محیط هایی که تهمت زنی و تخریب شخصیت دیگران امری عادی تلقی می شود، احتمال ارتکاب این جرم بیشتر است.^۲ شرب خمر، به معنای نوشیدن مسکرات، از گناهان کبیره و جرمی است که به دلیل تأثیرات مخرب آن بر فرد و جامعه، هم از نظر شرعی و هم در بسیاری از نظام های حقوقی ممنوع شده است. در آیه ۹۰ از سوره مائده در این زمینه آمده است: *إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*. طبرسی معتقد است این آیه، از چهار جهت بر حرمت خمر دلالت دارد: اول آنکه خداوند آن را رجس معرفی کرده و رجس چیز نجس است، لذا شکی نیست که چیز نجس حرام است. دوم آن که آن را به عمل شیطان نسبت داده است و عمل شیطان نیز حرام است. سوم آن که دستور داده است که از آن اجتناب کنند و دستور خدا واجب الطاعه است. چهارم آن که رستگاری و سعادت را در

۱. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمد حسین، جلد ۱۵، ص ۱۱۶

۲. ابراهیمی، جرم شناسی نظری، تهران، نشر دادگستر، ص ۱۸۸

اجتناب از آن دانسته است.^۱ از نگاه جرم‌شناختی نیز مصرف مشروبات الکلی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، با بسیاری از جرایم دیگر مرتبط است. نظریه فشار در بررسی این جرم معتقد است برخی افراد برای فرار از مشکلات، اضطراب یا ناکامی‌های خود، به مصرف الکل روی می‌آورند. از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی قرار گرفتن در معرض فرهنگ مصرف الکل، یا تأثیرپذیری از دوستان و همسالان، می‌تواند در گرایش به این رفتار نقش داشته باشد. نظریه کنترل اجتماعی نیز ضعف در هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، و عدم احساس مسئولیت نسبت به سلامت فردی و اجتماعی را عامل مصرف الکل می‌داند. به‌طور کلی، گناهان کبیره در اسلام، غالباً با جرایم جدی و زیان‌بار در نظام‌های حقوقی دنیا هم‌پوشانی دارند. این هم‌پوشانی نشان‌دهنده آن است که آموزه‌های دینی، در بسیاری از موارد، با عقل سلیم و نیازهای جامعه برای حفظ نظم و امنیت در تضاد نیستند، بلکه چارچوبی اخلاقی و معنوی برای پیشگیری از رفتارهای مخرب ارائه می‌دهند.

اکنون که اجمالاً به مقایسه تطبیقی میان مفاهیم و رویکردهای قرآن کریم و روایات با نظریه‌های جرم‌شناسی پرداختیم، به بررسی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و نقاط قوت و ضعف هر یک خواهیم پرداخت تا در پایان به یک تحلیل نهایی دست یابیم.

بخش ششم: شباهت‌ها

اهمیت عوامل فردی و اجتماعی: هم قرآن و هم نظریه‌های جرم‌شناسی، بر نقش عوامل فردی و اجتماعی در وقوع جرم تأکید دارند. همان‌گونه که اشاره شد، عواملی چون باورها، محیط، همنشینان، فشارها و ناکامی‌ها، هم در دیدگاه قرآنی و هم در جرم‌شناسی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جرم‌انگاری رفتارهای مخرب: بسیاری از گناهان کبیره‌ای که در قرآن ذکر شده‌اند (مانند قتل، سرقت، زنا، ربا)، در نظام‌های حقوقی مدرن نیز به عنوان جرایم جدی شناخته شده و

۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان، طبرسی، فضل بن حسن، جلد ۷، ص ۱۶۴

مجازات‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این نشان‌دهنده اشتراک در تشخیص رفتارهای زیان‌بار برای جامعه است.

پیشگیری از جرم: هر دو رویکرد، به مقوله پیشگیری اهمیت می‌دهند. در دیدگاه قرآنی، پیشگیری از طریق تقویت ایمان، اخلاق، و ایجاد جامعه‌ای سالم صورت می‌گیرد. در جرم‌شناسی نیز، نظریه‌های مختلفی برای پیشگیری از جرم (مانند پیشگیری موقعیتی، پیشگیری وضعی) مطرح شده است.

مسئولیت‌پذیری: هرچند دیدگاه‌ها متفاوت است، اما در نهایت، هر دو مکتب به نوعی بر مسئولیت فرد در قبال اعمالش تأکید دارند. در اسلام، این مسئولیت در قبال خداوند و خلق خداست، در حالی که در جرم‌شناسی مدرن، مسئولیت بیشتر در قبال جامعه و قانون معنا می‌یابد.

بخش هفتم: تفاوت‌ها

ماهیت جرم و گناه: از دیدگاه قرآنی، جرم در اسلام، در چارچوب گناه معنا می‌یابد. هر عملی که برخلاف اراده الهی و فطرت پاک انسانی باشد، گناه و انحراف است. این دیدگاه، رویکردی اخلاقی و معنوی به جرم دارد و گناه را صرفاً یک تخلف قانونی نمی‌داند، بلکه آن را نشانه بیماری روح و دور شدن از کمال می‌شمارد. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز جرم در جرم‌شناسی، بیشتر به عنوان یک رفتار خلاف قانون، نظم اجتماعی و آسیب‌رسان تعریف می‌شود. تمرکز اصلی بر پیامدهای اجتماعی و حقوقی عمل است، نه لزوماً بر جنبه معنوی یا اخلاقی آن (به خصوص در نظریه‌های سکولار).

علل وقوع جرم: در دیدگاه قرآنی عوامل اصلی جرم، ریشه در ضعف ایمان، دوری از خدا، گسست از معنویت، ضعف اخلاقی، و تأثیرپذیری از نفس اماره و وسوسه‌های شیطانی دارد. نقش خدا و ارتباط با او، محور اصلی پیشگیری و درمان است. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز علل

جرم، به طور عمده، در عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی جستجو می‌شود. نقش معنویت و باورهای دینی، اغلب یا نادیده گرفته می‌شود یا به عنوان یکی از عوامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

راه‌حل‌های مقابله با جرم: از دیدگاه قرآنی راه‌حل‌های اصلی مقابله با جرم تقویت ایمان و تقوا، توبه و استغفار، بازگشت به سوی خدا، تربیت اخلاقی، اصلاح فرد و جامعه بر اساس ارزش‌های الهی، و اجرای حدود و تعزیرات به عنوان تنبیه و بازدارنده است. اما از دیدگاه جرم‌شناسی راه‌حل‌ها متنوع هستند و بسته به نظریه، شامل اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، بهبود شرایط محیطی، برنامه‌های بازپروری، مجازات‌های کیفری، و در برخی رویکردها، درمان‌های روان‌شناختی یا زیستی می‌شوند.

مفهوم هدف در جرم: دیدگاه قرآنی معتقد است هدف نهایی انسان، رسیدن به سعادت ابدی و قرب الهی است. جرم، مانع رسیدن به این هدف است. اما از دیدگاه جرم‌شناسی، هدف اصلی، حفظ نظم و امنیت اجتماعی، کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، و اصلاح مجرم برای بازگشت به جامعه است.

بخش هشتم: تحلیل نهایی

ترکیب دیدگاه‌های قرآن و جرم‌شناسی، می‌تواند به ارائه یک چارچوب جامع‌تر و کارآمدتر در زمینه تحلیل و مقابله با جرم منجر شود. تعالیم قرآنی، با تأکید بر ریشه‌های معنوی و اخلاقی جرم، به ابعادی می‌پردازد که بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی از آن غافل هستند. مفهوم گناه، رابطه انسان با خدا، و تأثیر باورهای دینی بر رفتار، مفاهیمی هستند که می‌توانند درک عمیق‌تری از انگیزه‌های انسانی ارائه دهند. از سویی دیگر نظریه‌های جرم‌شناسی، با ارائه ابزارهای علمی و روش‌های تجربی برای تحلیل عوامل فردی، اجتماعی و محیطی جرم، به ما کمک می‌کنند تا پدیده‌های جرم را به صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار دهیم. تلفیق این دو دیدگاه، می‌تواند به ما کمک کند تا علل جرم را عمیق‌تر درک کنیم. با در نظر گرفتن همزمان

عوامل معنوی (مانند ضعف ایمان) و عوامل مادی (مانند فقر و نابرابری)، می‌توانیم تصویر کامل‌تری از چرایی وقوع جرم به دست آوریم. همچنین راهکارهای مبتنی بر تعالیم دینی (مانند تقویت اخلاق، توبه، و اصلاح فرد) می‌توانند با راهکارهای اجتماعی و اقتصادی (مانند کاهش فقر، بهبود شرایط زندگی) تلفیق شده و اثربخشی بیشتری داشته باشند. به این نکته نیز باید توجه کرد که پیشگیری از جرم، تنها با اقدامات امنیتی و قضایی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاح فرد و جامعه از درون است، که این امر با تقویت باورهای دینی و اخلاقی، همراه با اصلاحات اجتماعی، امکان‌پذیر است. باید دانست علاوه بر مجازات، رویکرد قرآنی بر توبه، بازگشت به خدا و اصلاح فردی تأکید دارد. این رویکرد می‌تواند در کنار برنامه‌های بازپروری در نظام عدالت کیفری، به احیای شخصیت مجرمان کمک کند.

نتیجه‌گیری

در نهایت، می‌توان گفت که اسلام، چارچوبی اخلاقی و معنوی جامع برای درک و مقابله با جرم ارائه می‌دهد که بر اصلاح فرد از درون و ایجاد جامعه‌ای صالح تأکید دارد. جرم‌شناسی نیز با ابزارهای علمی خود، به تحلیل عوامل و پدیده‌های پیرامون جرم کمک می‌کند. تلفیق این دو، رویکردی کامل‌تر به علم جرم‌شناسی می‌بخشد و می‌تواند راهنمای بهتری برای جوامع، به ویژه جوامع اسلامی، در جهت کاهش جرم و ارتقای سلامت اجتماعی باشد.

در پایان با توجه به غنای متون اسلامی در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم، پیشنهاد می‌شود دروس جرم‌شناسی اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین و ارائه شود. همچنین در فرآیندهای اصلاح و تربیت مجرمان، توجه به ابعاد معنوی و اخلاقی، تقویت باورهای دینی و اصلاح نگرش‌ها، باید در اولویت قرار گیرد و ترویج فرهنگ دینی و اخلاقی در جامعه از طریق رسانه‌ها، آموزش و نهادهای فرهنگی، می‌تواند به پیشگیری ریشه‌ای از جرم کمک کند. از سویی دیگر ایجاد فضایی برای پژوهشگران و متفکران حوزه دین و جرم‌شناسی جهت هم‌اندیشی و تدوین نظریه‌های بومی و اسلامی در این زمینه ضروری است، چرا که انجام

پژوهش‌های کاربردی با محوریت تأثیر آموزه‌های دینی بر کاهش رفتارهای مجرمانه و اصلاح مجرمان، می‌تواند نتایج ملموسی را به ارمغان آورد. در پایان، امیدوار است این پژوهش، گامی هرچند کوچک در جهت روشن‌سازی رابطه میان مفاهیم دین و جرم‌شناسی و تبیین ظرفیت‌های نهفته در آموزه‌های اسلامی برای مقابله با پدیده جرم برداشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، تهران، دفتر انتشارات اسلامی
۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، بی جا، مؤسسه انتشارات فراهانی
۴. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الأولى، قم، دارالحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹هـ.ق
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان-سوریه، دارالقلم-دارلشامیه، ۱۴۱۲ق
۶. قمی، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، محمدجواد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق
۷. عبدالحسین علی آبادی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان
۸. علی نجفی توانا، جرم شناسی، تهران، ۱۴۰۵، آوای حکمت
۹. حسن پویان، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، نشر سمت
۱۰. ابراهیمی، جرم شناسی نظری، تهران، نشر دادگستر
۱۱. اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان